

در باره کشته شدن ایمن الظواهری رهبر القاعده

کیفر خواست جانباختگان دهه شصت!

قاتلان در دادگاه محکومیت!

صفحه ۲

رحمان حسین زاده

سفر پلوسی و تشدید تنش و رقابت میان آمریکا و چین

صفحه ۳

سعید یگانه

جنگ علیه حجاب اسلامی، کجا ایستاده ایم؟

صفحه ۵

سیاوش دانشور

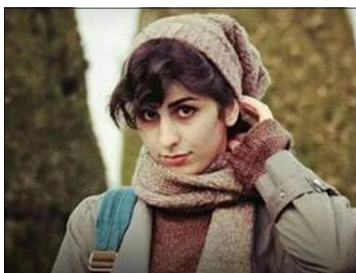
مانور بقای حکومت با تهدید ساخت سلاح اتمی

صفحه ۹

وریا روشنفکر

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر



برای #سپیده_رشنو

سیاوش دانشور

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کمک مالی کنید!

۶۵۹

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۴ مرداد ۱۴۰۱ - ۵ اوت ۲۰۲۲

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست در ماه اکتبر برگزار میشود!

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست در تاریخ ۸ و ۹ اکتبر ۲۰۲۲ در
اسکاندیناوی به طور علنی برگزار میشود.

دفتر سیاسی حزب حکمتیست، احزاب،
تشکلهای، نهادهای سیاسی و اجتماعی،
شخصیتهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری
اسلامی، نیروهای چپ و کمونیست و نهادهای
فعالین سوسیالیست و کارگری را، رسماً به
کنگره حزب دعوت میکند. ما از همه مبارزین
سیاسی و از همه دوستداران حزب دعوت
میکنیم که در کنگره دهم حزب حکمتیست
فعالانه شرکت کنند.

هیئت برگزار کننده کنگره مهمانان و شرکت
کنندگان را از فرودگاهها و ایستگاههای
مرکزی قطار شهرهای استکهلم و گوتنبرگ و
اسلو به محل کنگره انتقال میدهد.

در اطلاعیه های بعدی اطلاعات لازم در
مورد نحوه ثبت نام و هزینه شرکت در
کنگره، و جنبه های فنی و عملی ضروری در
اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. برای
کسب اطلاعات میتوانید با آدرس ایمیل دفتر
مرکزی حزب حکمتیست تماس بگیرید.

daftaremarkzy@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۵ اوت ۲۰۲۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کیفر خواست جانباختگان دهه شصت!

قاتلان در دادگاه محکومیت!

رحمان حسین زاده



اسلامی را نداشتند. اینها کمونیست ها و آزادیخواهانی بودند که در راه مقاومت در مقابل شکل گیری یک حکومت ضد بشری اسلامی جانباختند. خاوران از مراکز و بناهای مهم، بازگو کننده مقطع مهمی از تاریخ شکل گیری جمهوری اسلامی ایران و ایستادگی در مقابل آن و گورستان هزاران هزار جانباخته عزیز و گرامی راه سوسیالیسم و آزادی است. مبارزه ای که این عزیزان میسر آن بودند، در ابعادی گسترده تر ادامه دارد. یادشان گرامی باد!

چند سال قبل نوشتم، "دور نیست آن روزی که سران جمهوری اسلامی به جرم کارنامه سراسر جنایات و ننگین همه دوران حاکمیتشان به سزای اعمالشان میرسند". به نظرم آن روز بسیار نزدیکتر شده است. جمهوری اسلامی زیر ضرب مبارزات گسترده و جنبش سرنگونی قدرتمند به پایان عمرش نزدیک شده است. سران این نظام مخوف اسلامی و همه جانین و قاتلان او همانند حمید نوری به سزای اعمالشان خواهند رسید.*

مرداد ۱۴۰۱

یاد جانباختگان دهه شصت و به ویژه هزاران اعدام شده سال ۶۷ امسال در فضای متفاوتی گرامی داشته میشود. خمینی فتوا دهنده این قتل عام جمعی و کل ارکان جمهوری اسلامی و هیئت مرگ و رئیسی قاتل در پرونده دادگاهی حمید نوری جنایتکار محکومیت جهانی گرفته اند. حکم حبس ابد حمید نوری در دادگاه سوئد تنها اولین گام نوید دهنده در مسیر محاکمه عملی و به کتف زندان سپردن خامنه ای و اعضای گروه مرگ و دیگر سران قبلی و کنونی جمهوری اسلامی است. مادران خاوران و بستگان رنج دیده قتل عام شدگان دهه شصت و مردم حق طلب ایران با محاکمه و به زندان ابد سپرده شدن حمید نوری اولین تجربه شیرین دادگاهی شدن قاتلان را دیدند.

سه دهه قبل به دستور خمینی و مشارکت همگانی حاکمان جمهوری اسلامی از هر دو جناح، هزاران کمونیست و آزادیخواه و مخالف جمهوری اسلامی ظرف یک ماه مخفیانه اعدام شدند، اجسادشان با بولدوزر در بیابانهای خاوران زیر خاک مخفی شد و جمهوری اسلامی زندانها را به این طریق از زندانی سیاسی خالی کرد! این قتل عام، مایه‌آزاد داخلی قبول آتش بس در جنگ ایران و عراق و برای "پاک سازی" زندانها و حل یک شبه مسئله هزاران هزار زندانی سیاسی و ترساندن جامعه بود! سه دهه قبل خاوران بیابان گمنام و متروکی بود که سران جمهوری اسلامی فکر میکردند، دور از چشم مردم میتوانند آثار جنایت و کشتارشان را در آنجا پنهان کنند. اما دیری نپایید و خیلی زود این محل توسط مردم و خانواده جانباختگان کشف و به گورستان کمونیست ها منصوب شد. بیابان متروکی که قرار بود مخفیگاه آثار شکل گیری حاکمیت اسلام باشد، توسط صدها و صدها خانواده ای که در زیر تله های خاک بدنبال باقیمانده اجساد عزیزانشان میگشتند، اکنون به محل همبستگی و اتحاد مبارزاتی تبدیل شده است. از آن سال تا به امروز مبارزه ای بیوقفه برای زنده نگاهداشتن خاوران، جانباختگان و آرزوی به زیر کشاندن و به محاکمه کشاندن سازندگان این هالوکاست اسلامی در جریان است. هر سال مخفیانه و آشکارا علیرغم فشار قداره بندان اسلامی خانواده قربانیان و مردم در این محل اجتماع کرده و یاد عزیزانشان را گرامی داشته اند. خاوران اکنون آشوبتس جمهوری اسلامی و نماد به محاکمه کشاندن سران جمهوری اسلامی و کیفر خواست مردم تشنه آزادی است. خاوران پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است. تقلاهای مذبحخانه و پنهانکاریهای ناشیانه جمهوری اسلامی برای گم و گور کردن آثار یکی از بزرگترین مقاطع جنایتکاری جمهوری اسلامی فایده ای نداشته و ندارد. خاوران پابرجا و پایدار یکی از بهترین سندهای جنایات جمهوری اسلامی است که سران جمهوری اسلامی باید در مقابل آن پاسخگو باشند.

جوانان و زندانیانی که تابستان ۶۷ در جوخه های اعدامهای جمعی و شبانه در دسته های صدها و دهها نفره با پیکرهای شکنجه شده به قتل رسیدند، جرمی جز مخالفت با شکلگیری همین حکومت فقر و خفقان

Workers, Rise Up Against The Capitalist War!

Not To War, Not To Austerity!

حکمتیت
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

سفر پلوسی و تشدید تنش و رقابت

میان آمریکا و چین

سعید یگانه



باید شرایط جدید و دوره جدید را هضم کند. حمله روسیه به اوکراین، در واقع ایست دادن به اعمال نفوذ آمریکا و ناتو در کشورهای شرق اروپا از جمله اوکراین است که تا رگ گردن به روسیه نزدیک شده بودند. اما این ظاهر مسئله بود و اهداف این جنگ برسر بازتعریف چهارچوبهای جهانی ای بود که

دیگر از نظر قدرتهای جدید اقتصادی اعتبار ندارد. در واقع اوکراین یک میدان رقابت جنگ امپریالیستها برسر بازتعریف این چهارچوبهای نظم کهنه جهانی و تعیین مکان و جایگاه دولتها و بلوک های سرمایه داری در دوره حاضر است.

اختلاف چین و آمریکا در خصوص تایوان و کشمکش میان آنان نیز بر متن همین رقابتها و در گوشه ای دیگر در جهان در حال وقوع است. دولت چین صراحتاً گفته است که اگر کسی جرات کند تایوان را از چین جدا کند لحظه ای برای آغاز جنگ تردید نخواهند کرد. در واقع تایوان به عنوان بخشی از چین که ادعای آن را دارد خط قرمز چین در این رقابت به حساب می آید. رقابت میان آمریکا و چین محدود به تایوان نیست بلکه سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی همچون سنگاپور، فلپین، اندونزی و مناطق استراتژیک و ژئواستراتژیک را شامل میشود که در سالهای گذشته نیز کم و بیش در جریان بوده است.

در ماه ژوئن قانون نوآوری و رقابت ایالات متحده آمریکا با حمایت هر دو حزب از مسیر سنا عبور کرد و در این لایحه چین "بزرگترین چالش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برای سیاست خارجی ایالات متحده" عنوان شده است. این قانون خواستار برخورد با تایوان به عنوان یک کشور مستقل با اهمیت استراتژیک و حیاتی برای آمریکا شده است. در شرایط کنونی و در بازی جنگ و رقابت جهانی، آمریکا، چین را تهدیدی بزرگ و رقیبی اصلی علیه خود می بیند و به نظر دوره سیاست تعامل آمریکا نسبت به چین وارد نوعی جنگ سرد جدید میشود. رقابتهای تجاری و اقتصادی علیه چین که از دوره ترامپ تشدید شد در دولت بایدن ادامه یافته است. رشد شتابان اقتصادی و نظامی چین، آمریکا را نگران کرده است و سفر نانسی پلوسی در این شرایط پر تنش، علیرغم تهدید دولت چین از عواقب این سفر، و شک و تردید بعضی از مقامات آمریکا و پنتاگون از درستی یا اشتباه بودن آن، جوابی به تهدیدات چند ماه اخیر دولت چین و نگرانی از آینده رو به افول آمریکا در مقابل چین می باشد. در عین حال دولتهای آمریکا و چین خوب می دانند که عواقب و بحران اقتصادی ناشی از جنگ در اوکراین تاکنون بر اقتصاد هر دو کشور تأثیر منفی داشته است و ادامه آن نه فقط بحران اقتصادی را تشدید بلکه ممکن است با مسائل و شرایط غیرقابل پیش بینی روبرو شوند. با این حال تشدید این رقابتها همچنانکه جنگ در

صفحه ۴

در شرایطی که آمریکا و غرب درگیر جنگ در اوکراین با روسیه به سر می برند، سفر نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان، تنش میان چین و آمریکا را به طور چشمگیری تشدید کرده است. چین، سفر پلوسی را "بازی با آتش" خوانده و در واکنش به این سفر گفتند "آنها که با آتش بازی می کنند خاکستر خواهند شد". پلوسی هم گفته است که سفرش برای حمایت از "دمکراسی پویای تایوان" است و ناقض سیاست واشنگتن نیست. به دنبال این سفر، چین اعلام کرد که اواخر این هفته چندین مانور نظامی در آسمان و دریای پیرامون تایوان انجام خواهد داد که هم اکنون شروع شده و هشدار داده که هیچ هواپیما و یا کشتی نباید در این مدت وارد محدوده مانور شود. جو بایدن نیز اظهار کرده که براساس ارزیابی ارتش این سفر ایده خوبی نبوده و کاخ سفید مخالفت خود را با آن پنهان نکرده است.

مدتهاست که تنش قدیمی میان چین و آمریکا بالا گرفته است. در دوره ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۸ جنگ تجاری و اقتصادی رقابت میان دو قدرت سرمایه داری را تشدید کرد و بعد از حمله دولت روسیه به اوکراین حادثه شده است. اکنون اختلاف میان چین و آمریکا برسر اعمال نفوذ بر حکومت تایوان طی ماههای گذشته کانونی شده و رئیس جمهور چین در باره مداخله خارجی در رابطه پکن و تایوان هشدار داده است. چندی پیش آمریکا قراردادی تسلیحاتی با دولت تایوان منعقد کرد و در سالهای گذشته در رقابت با چین تلاش کرده که تایوان را به لحاظ نظامی تقویت کند. اکنون سوالی که اذهان را بخود مشغول کرده اینست که بعد از حمله روسیه به اوکراین و تشدید کشمکش بین آمریکا و ناتو و غرب از یکطرف و چین و روسیه از طرف دیگر، آیا درگیری نظامی میان چین و تایوان و در ادامه میان آمریکا و چین در شرق آسیا چقدر محتمل است و آیا ماجراجویی دو طرف، جنگی دیگر را تحمیل خواهد کرد؟

واقعیت پذیرفته شده اینست که چهارچوبهای قدیمی دنیای سرمایه داری بعد از پایان جنگ سرد فرو ریخته اند و هنوز کشمکش برسر شکل دادن به جهان چند قطبی ادامه دارد. افول اقتصادی آمریکا و عروج چین، استراتژی قدیمی تر آمریکا برای تقابل با قدرتهای جدید در شرق، وارد مراحل خطرناکی شده است. دیگر کسی یکه تازی آمریکا در جهان را قبول نمی کند و در عین حال آمریکا حتی با قدرت نظامی برترش تاکنون نتوانسته ضعف و افول اقتصادی را جبران کند. بعد از حمله نظامی دولت روسیه به اوکراین، سران دولت چین این را بارها به سیاستمداران آمریکایی گوشزد کرده اند که دوره جنگ سرد به پایان رسیده است. به عبارت دیگر دارند میگویند که دنیا یک صاحب و ژاندارم ندارد و آمریکا

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست

در باره کشته شدن ایمن الظواهری رهبر القاعده

جو بایدن اعلام کرد آمریکا ایمن الظواهری رهبر القاعده را روز دوشنبه اول اوت در یک خانه امن در کابل با هوپیمای بدون سرنشین کشته است و آنرا "ضربه بزرگی" به شبکه القاعده و "برقراری عدالت" توصیف کرد.

تردیدی نیست دنیا بدون ایمن الظواهری ها و تروریست های اسلامی و دولتی دنیای امن تری است. اما کسی این پروپاگاندا هدفدار را از بایدن و هیئت حاکمه آمریکا نمی پذیرد. آمریکا خود سازنده این جانوران اسلامی و دستجات مختلف تروریستی است و هر زمان تاریخ مصرف آنها تمام شده است با عملیاتی محیرالعقول یکی از آنها را حذف کرده است. برای کسانی که جامعه افغانستان را دو دستی تحویل تروریست های طالبان دادند و زنان را دستجمعی از زندگی ساقط کردند، سخن گفتن از "برقراری عدالت" مسخره و توهین به شعور مردم است. این عدالت بورژوائی حاصلی جز تشدید فقر و واپسگرائی و تروریزه کردن زندگی صدها میلیون مردم نداشته است. روسای جمهور آمریکا برای مصرف داخلی و تداوم سیاست تروریستی نیاز دارند هر کدام کشتن یکی از عوامل خود را در رزومه داشته باشند؛ از اسامه بن لادن تا البغدادی و الظواهری. اما تروریستها بوسعت در افغانستان و ایران و چهارگوشه جهان جولان میدهند. این عملیتهای نمایشی "مبارزه با تروریسم" نیست، پرده ای از جنگ تروریست هاست؛ جنگ تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی.

مبارزه با تروریسم کار تروریستهای متفرقه نیست. مبارزه با تروریسم کار طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه است که در ترور و تاجر منفعتی ندارند. برای مبارزه با تروریسم اسلامی باید حکومتهای اسلامی را سرنگون کرد و برای مبارزه با تروریسم دولتی باید دولتهای تروریستی و بورژوائی را ساقط کرد.

نه به تروریسم اسلامی، نه به تروریسم دولتی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۱۱ مرداد ۱۴۰۱- ۲ اوت ۲۰۲۲

سفر پلوسی و تشدید تنش و رقابت

میان آمریکا و چین ...

اوکراین را موجب شد، تشدید تنش و جنگ میان چین و آمریکا را منتفی نمیکند.

رقابت دولتهای امپریالیستی و بورژوازی جهانی برسر شکل دادن به نظام جدید جهانی و تعیین و بازتعریف نظم پایان یافته بعد از جنگ دوم، تشدید حمله به سطح زندگی و معیشت طبقه کارگر در سراسر جهان، میتواند و باید جبهه های دیگری را مستقل از جنگ امپریالیست ها و قدرتهای سرمایه داری باز کند. بارقه های این جنگ در انگلستان و المان با حضور گسترده طبقه کارگر آغاز شده و چشم انداز گسترش آن در کشورهای جهان بسیار محتمل است. جنگ در اوکراین فی الحال صحنه ای از این رقابتهاست که تاکنون جان هزاران انسان بیگناه را در هر دو طرف جنگ به کام خود برده است و جهان پیرامون را با مشکلات اقتصادی جدی روبرو کرده است. تشدید رقابت میان چین و آمریکا و آغاز جنگهای دیگر مصائب و مشقات طبقه کارگر و مردم ستمدیده در سراسر جهان را تشدید کند. این جنگ ها هر منفعتی برای طبقه بورژوازی در کشورهای مختلف داشته باشد، در نقطه مقابل منافع آنی و آتی طبقه کارگر و مردم زحمتکش در همه جای جهان است. طبقه کارگر و مردم محروم هیچ نفعی در ادامه جنگ بورژواهای متفرقه ندارند. جنگ سرمایه داران را تنها میتوان با جنگ کارگران علیه نظم کنونی و انقلاب علیه وضع موجود عقب راند.

۴ اوت ۲۰۲۲

#سپیده_رشنو به دلیل خونریزی داخلی به بیمارستان منتقل شده است!

#جمهوری_اسلامی در پی جان #سپیده_رشنو است!
#جان_سپیده_رشنو در خطر است!



حجاب اسلامی لوگوی نظام آپارتاید جنسی

و پرچم تحقیر زن است. حجاب ها را

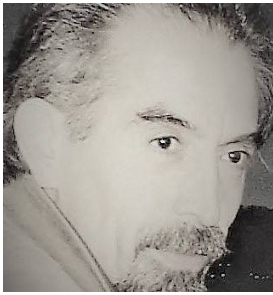
بسوزانید!

نابود باد نظام آپارتاید اسلامی!

جنگ علیه حجاب اسلامی،

کجا ایستاده ایم؟

سیاوش دانشور



"ایران ۲۰ میلیون سپیده رشنو دارد"، به نماد این حرکت بدل شد. به همین دلیل برای سپیده پرونده ساختند، وحشیانه شکنجه اش کردند، چهره شکنجه شده اش را آگاهانه جلوی دوربین گذاشتند تا ده ثانیه حرفهای نامفهومی بزند تا اثبات کنند که حکومت اسلامی در ضدیت با زن مرز نمی شناسد و حجاب به

جانشان بسته است. بنا به اخبار سپیده بر اثر ضربات مهلک و شکنجه دچار خونریزی داخلی شده و روز ۳۰ تیرماه با تعداد زیادی نگهبان برای عکسبرداری به بیمارستان طالقانی منتقل شده و سرعت به زندان بازگردانده شده است. به خانواده اش هم اعلام شده که "پیگیر وی نباشند". رژیم اسلامی خیال میکند با زدن نمادهای این جنبش میتواند کل صورت مسئله را خط بزند. همان وقت که سپیده شکنجه میشد، خیابانها مملو از سپیده ها و اعتراض تند به اوباش ضد زن بود و هر روز این حرکت گسترش می یابد و رادیکالیزه میشود.

روز "حجاب و عفاف"

در تقویم جمهوری اسلامی روز عفاف و حجاب برابر است با روز سه شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۱. این روز را بمناسبت اعتراض سوپر ارتجاعی آخوندها در مسجد گوهرشاد مشهد در سال ۱۳۱۴ نامگذاری کرده اند و آنرا روز "روز ملی حجاب و عفاف" و "مبارزه با بدحجابی" تبیین کرده اند. امسال قرار بود در اینروز نمایشی در دفاع از حجاب اسلامی برپا شود و دل ریش دایناسورهای اسلامی از بی حجابی را مرهم زند. خودروهای گشت ارشاد و دستجات فلجماق و گروه های "نهی از منکر" قرار بود با فلسفه زور لاقل کمی "چهره اسلامی" جامعه را ترمیم کنند. برای این روز آمادگی های لازم از اواخر سال ۱۴۰۰ شروع شد. "ستاد امر به معروف و نهی از منکر" در تاریخ ۳ بهمن ۱۴۰۰ با امضای دبیر این ستاد "سید محمد صالح هاشمی گلیایگانی" ابلاغیه ای به رئیس اتاق اصناف ایران "سعید ممینی" داد که ضمن تبلیغاتی ملال آور در مورد اهمیت حجاب در اسلام، گلایه کرد که در مراکز تجاری، رستورانها و ... بی حجابی و بدحجابی موج میزند و با آن برخورد نمیشود و اصناف و کلیه مراکز را موظف کرد که از دادن خدمات و اساسا ورود خانمهای "بد حجاب و بی حجاب" با اولویت بی حجاب ها خودداری کنند. سعید ممینی رئیس اتاق اصناف ایران نیز طی ابلاغیه ای در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۴۰۰ به "روسای اتاق های اصناف سراسر کشور" با موضوع "ترویج فرهنگ عفاف و حجاب" دستور داد "ارائه هر گونه خدمات به افراد بدحجاب با اولویت بی حجاب اکیدا ممنوع است و لازم است از ورود آنها به واحدهای صنفی جلوگیری شود". این اقدامات حکومت مربوط به شش ماه قبل از روز حجاب و عفاف در ۲۱ تیر ۱۴۰۱ است که در کنار گشت ارشاد و نیروی انتظامی و پلیس و دستجات خیابانی و عربده های امام جمعه ها تصویر کلی تری از آمادگی و سیاست رژیم را بدست میدهد.

جبهه زنان علیه حجاب و آپارتاید

زنان نیز با شعار "حجاب بی حجاب" به استقبال تقابل با این کمپین حکومتی رفتند و با پرت کردن و برداشتن حجاب ها پوزه

امسال، سال تعرض رادیکال جنبش نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی بود. این کشمکشی قدیمی است که از ۱۷ اسفند سال ۱۳۵۷ برابر با ۸ مارس روز جهانی زن، بدنبال فرمان حجاب خمینی در شکل گسترده و نوین بمیدان آمد. علیرغم سرکوب خونین انقلاب و زنان و تحمیل حجاب اسلامی با قهر و توحش، جنبش مقاومتی علیه سیاست اسلامیزه کردن جامعه آغاز شد. جنبشی که فراز و فرودهای مختلفی داشته، سنگرهای مختلفی را فتح و هر دوره شرایط جدیدی را تحمیل کرده است. از حجاب کامل و چادر سیاه مورد علاقه زهرا رهنورد بعنوان "یک پایگاه ضد امپریالیستی و یک وسیله مبارزه با غرب استعمارگر"، رسیدیم به مانتو و شبه روسری. مانتوها تدریجا تغییر شکل دادند و ساپورت و لگینگ با شال جای آن کیسه سیاه زشت و روسری را گرفتند. چندی بعد "بد حجابی" با "بی حجابی" در شهرهای بزرگ قوانین اسلامی را بمصاف طلبید. "والسلاما"ی آخوندها با گشت ارشاد و دستجات اوباش "نهی از منکر" و "آتش به اختیار"های اسیدپاش و چاقو کش کفایت نکرد. اعتراض زنان تعرضی تر شد و حجاب را برسر چوب علنا و صریحا در خیابانها برافراشتند. دهها هزار بازداشت سالیانه، تجاوز در زندانها، زن کشی و اسیدپاشی، تعدی حزب الله به حرمت زنان و نرخ جرمه نقدی لاک و آرایش و "بدحجابی"، تجربه زنده زنان تحت حاکمیت آپارتاید اسلامی بوده است.

امسال اما قدمی بزرگ برداشته شد و زنان علیه حجاب اسلامی صریح و بی پرده با شعار "حجاب بی حجاب" شوریدند. حجاب ها را علنا برداشتند، در جاهائی حجاب ها را آتش زدند، در خیابانها بدون حجاب قدم زدند و فیلمش را به دنیا نشان دادند، علیه گشت ارشاد و کماندوهای خواهر زینب ایستادند، آخوندها را در خیابان و مترو سکه پول کردند و هرجا توانستند از خجالت شان درآمدند. کاری با آخوندهای طفیلی و دستجات "نهی از منکر" کردند که عمدتاً فرار را بر قرار ترجیح دادند و البته هرجا دستشان رسید گرفتند و زدند و زیر شکنجه بردند. این سطح جدیدی از کشمکش زنان با حکومت و قوانین اسلامی و حجاب بود که تناسب دارد با شرایط ملتبه جامعه و پتانسیل عظیم مبارزه برای رفع تبعیض براساس جنسیت که حجاب سمبل و لوگوی فرودستی زن را مورد تهاجم قرار داد. یکبار دیگر کشمکش برسر حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی جامعه را قطعی کرد، کل حکومت و دستجات آن را دستپاچه و خود را به تیتتر اول روزنامه ها و اخبار مهم مبارزاتی رساند.

ارتش ۲۰ میلیونی سپیده ها

جنبش ها چکامه شان را از یک تمایل عظیم اجتماعی و یک انتقاد اساسی می گیرند اما هر حرکتی بناچار با شخصیت ها و سخنگویان پرشور آن سمبلیزه میشود. #سپیده_رشنو، که بقول روزنامه همشهری

جنگ علیه حجاب اسلامی،

کجا ایستاده ایم ...

خامنه ای و امام جمعه ها را به زمین مالیند و کل این تمهیدات حکومتی را با شکستی خفت بار مواجه کردند. بدنیاال این تعرض گسترده مسئله بیش از هر زمان قطبی شد، میان بالائی ها شکاف افتاد، وحشت سرتاپایشان را گرفت، هر کهنه اصلاح طلب و دایناسور آیت الله و تاریک اندیش تا خیل روشنفکران شرق زده و اسلام زده و حتی زنان محجبه بخت شدند. برخورد خشن و وحشیانه گشت ارشاد و نیروی انتظامی و مقاومت قاطع زنان در مقابل آنها، از یکسو به نقد خانوادگی و درون حکومتی از گشت ارشاد و ضرورت جمع کردن آن منجر شد و از سوی دیگر بحثهای اسلامی در مورد "عدم ضرورت حجاب اجباری" و مخالفت با آن بالا گرفت. "من محجبه هستم اما مخالف گشت ارشادم"، "من طرفدار حجابم اما مخالف حجاب اجباری ام"، "از اول کارمان اشتباه بود و اجبار حجاب را برداریم"، به شاه بیت بیانیه های جمعی و اظهار نظرهای لایه های درون حکومت بدل شد. ناگهان نور معرفت در دل کسانی تابید که خود در تحمیل حجاب نقش اساسی داشتند و ظاهراً به این نتیجه رسیدند که "اجرای این سیاست در کشور از همان ابتدا "خطا" بوده و اکنون نیز با گذر زمان "اشتباه بودن آن" بیشتر آشکار شده است" و دربار "پیامدهای سیاست حجاب اجباری هشدار دادند"! آخرین مورد بیانیه ۲۱ فعال سیاسی و مدنی ایران در روز سه شنبه ۱۱ مرداد است که از جمله تاکید کردند که "حجاب اجباری سیاستی بی فایده و پرهزینه بوده است که از سویی به چالش های جدی میان مردم و اسلام، و از دیگر سو میان مردم و حاکمیت، و مردم و مردم، انجمیده است؟! این بیانیه را زهرا رهنورد، فائزه هاشمی رفسنجانی، مصطفی تاجزاده، احمد منتظری، پروانه سلحشوری، علیرضا رجایی، شهربانو امانی، فاطمه راکعی، زهرا ربانی املشی، حسین رفیعی، احسان شریعتی، فیروزه صابر، طاهره طالقانی، طیبه طالقانی، سمیه طهماسبی، حسین کروی، الهه کولایی، فاطمه گوارایی، فخرالسادات محتشمی پور، آذر منصوری و صدیقه و سمقی امضا کردند. زهرا رهنورد که برخی اصلاح طلبان وی را "میشل اوامای ایران" تصویر میکردند، همان کسی است که از حجاب اسلامی بعنوان "پایگاه ضد امپریالیستی و وسیله مبارزه با غرب" نام می برد و دست آخوندهای مسجد گهرشاد را از پشت بسته بود. سخنرانی های وی و اقداماتش در دوره صدارتش هنوز در گوش ما زنگ میزند. نه به حجاب اسلامی و آرتااید کل حکومت را بهم ریخت.

ایران و پایان تاریخ مصرف آنها، تدریجاً به غرب کوچ کردند و بخشاً ارسال شدند تا رسانه ها را تسخیر کنند، جوایز مکرر از نهادهای بین المللی بگیرند، خود را بعنوان "مدافع حقوق زن" جا بزنند تا از اسلام و آرتااید دفاع کنند. خودشان بعد از مدتی حجاب ها را غلاف کردند و به صف سلطنت طلبان ملحق شدند. حال لایه درون کشوری و بیشتر حکومتی و "خودی" های مغضوب جلو آمدند تا همان سیاستها را در شرایط جدیدی پی بگیرند با این تفاوت که گشت ارشاد و حمله به زنان و تداوم سیاست "حجاب اجباری" را "خطری" برای نظام و اسلام میدانند. اینها تغییر نکرده اند، منطق بازاری "هزینه فایده" را دنبال می کنند و رندانه تلاش دارند تقابل حکومت با زنان را تقابل "مردم با مردم" معرفی کنند تا هم نظام و هم اسلام را از زیر فشار انتقاد و عمل رادیکال زنان مصون کنند. سیاست این جماعت که از بالا تا پائین از پیشکوهستان تحمیل این شرایط ضد انسانی و وحشیانه به زنان هستند، اینست که دیگر فایده ندارد و عقب نشینی میتواند جنبش آزادی زن را مهار کند. نگران وضعیت انفجاری و جایگاه مهم برابری طلبی زن و مرد و تقابل تند با فرودستی زن در اسلام هستند. نگران غرق شدن کشتی نظام و موقعیت منفور آخوند و سیل عصبانیت عظیم مردم هستند که همه چیز را با خود مثل امام زاده هایشان در سیل مونسون ببرد. عرض خود میبرند و زحمت ما میدارند، دیر شده است، هیچ احمقی نمیتوان پیدا کرد که آخوند و زن حزب الهی محجبه را "مدافع حقوق و آزادی زنگ بحساب بیاورد.

از حجاب اسلامی تا "حجاب اجباری"

مباحث و کدهای بیانیه ها و مخالفت های ایندوره جدید دستاوردهائی دارد که باید یک به یک بدقت بررسی و تبیین شود. ما همواره و از ابتدا بر تقابل با حجاب اسلامی تاکید کرده ایم. بسیاری دیگر از مخالفان چه در جریانات اپوزیسیون و چه در حاشیه حکومت روی "حجاب اجباری" تاکید داشتند. اینجا دو نکته ظریف هست که در تبیین خط مشی و شعارهای این نبرد بسیار مهم است که بعضاً سهواً و اساساً عمداً خلط میشود. اول، حجاب اسلامی با تعریفی که جمهوری اسلامی از آن دارد، یک هویت بخشی برای اسلامیزه کردن جامعه و پرچمی سیاسی است که محصول یک سرکوب خونین است. "اجباری بودن" حجاب اسلامی جنبه قانونی آنست نه ماهیت آن. یک هدف اصلی جنبش آزادی زن لغو این اجبار قانونی و لغو حجاب اسلامی است. این تفاوت را نباید درز گرفت. دوم، وقتی میگوئید "حجاب اجباری" دو فرض مهم و نادرست در آن مستتر است؛ یکی حجاب "اختیاری" و دیگری "پوشش" بودن حجاب. خود حکومت و کسانی مثل زهرا رهنورد آنرا "پوشش اسلامی" با محتوای مکتبی تعریف و تبیین می کنند. اینجا چند نکته قابل تامل است:

حجاب بمتابه "پوشش"

اول اینکه حجاب "پوشش" نیست، این تعریف حکومتی است. حجاب لوگوی جنبش اسلام سیاسی است، پرچم فرودستی زن است، بیرقی است که پیروزی و کنترل اسلاميون بر یک محل و منطقه و کشور را نشان میدهد، نمادی از اسلامیزه کردن جامعه است، یک رکن جداسازی زن و مرد در جامعه است، شاخصی برای تحمیل آرتااید جنسی است. حجاب پوشش نیست، مدلی از لباس نیست، حتی همان حجاب سنتی و چادر گل گلی هم با تعریف اسلام و مردسالاری و الگوی فاطمه و

ماهیت شکاف در بالا

اگر سطح مسائل را ببینیم ناچاریم بپذیریم که آخوندها و خواهر زینب های حکومتی "تغییر" کرده اند هرچند خودشان محجبه هستند. اینها البته زیادی دیر آمدند. یادمان هست که اصلاح طلبان و در راس آنها خانم شیرین عبادی و شرکا چه تلاش ارتجاعی و بیحاصلی در مورد اثبات "عدم تناقض اسلام و حقوق زن" کردند، چه طرحهای مسخره و کپک زده ای در مورد "ادیه برابر" و از این قبیل از ذهن مهجورشان درآوردند. این لایه بعد از شکست اصلاح طلبی حکومتی در سیاست

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

جنگ علیه حجاب اسلامی،

کجا ایستاده ایم ...

ممنوع است اما بیرون امر اجتماعی مانند کار و تحصیل و امور اداری، در زندگی خصوصی و اماکن عمومی این کاملاً باید آزاد باشد.

ممنوعیت حجاب کودکان

همینطور بحث آزادی پوشش مربوط به بزرگسالان است و نه کودکان. حجاب کودکان باید ممنوع باشد. کودک مذهب ندارد، ایدئولوژی ندارد، کودک باید از دست درازی مذهب و آموزش مذهبی و تحمیل عقیدتی و ایدئولوژیک مصون باشد. کودک یک انسان مستقل است که حقوقی دارد و جامعه و دولت موظف به تامین و تضمین این حقوق است. پدر و مادر بنا به عقاید خود نمیتوانند کودکان دختر را مجبیه کنند، از بازی و شادی و تحرک و معاشرت محروم کنند. در یک جامعه آزاد کودک مقدم بر هر منفعت اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیکی است.

یک خط "ژرف اندیشانه"

و بالاخره باید به یک خط منحنی و لایق اشاره کرد که در برخی مباحث مستقیم و غیر مستقیم موج میزند و خود را در قالبی "ژرف اندیشانه" طرح می کند. میگویند مسئله زنان فقط حجاب نیست، مسئله زنان و جامعه فقر و بیکاری و هزار درد دیگر است، محوری کردن حجاب میخواد اذهان را از مبارزات واقعی منحرف کند و بنوعی آدرس غلط میدهد. این خط از تنوری توطئه هم عقب مانده تر است. واضح است که هیچ جامعه ای فقط "یک مسئله" ندارد اما وجود تعدد مسائل موجبی برای نفی هر مسئله مطرح اجتماعی نیست و ربطی به نفی یا کم رنگ کردن و یا تلاش برای حاشیه ای کردن مسئله حجاب ندارد. کسانی که به هر درجه مسئله حجاب را بعنوان یک سوال جامعه و یک امر اجتماعی با تمام تفصیل آن "حاشیه ای" قلمداد میکنند، آگاهانه یا ناآگاهانه به سیاست حکومت نیرو میدهند. جریاناتی اسلام زده در ابتدای تحمیل حکومت اسلامی مشابه چنین سخنانی را بیان کردند و زنان را در نبردی خونین و نابرابر در مقابل موج فاشیسم اسلامی تنها گذاشتند. امروز تکرار این سخنان ارتجاعی یک فاجعه تمام عیار است. این موضع بشدت مردسالارانه و ارتجاعی است حتی اگر از زبان زنان سرکوب شده بیان شود. این موضع نسبت به سوالات واقعی و جبهه های نبرد سیاسی و طبقاتی لایق است و در قبال جنبش اسلامی موضع جانبدارانه دارد. حکومت به هیچ موضوع و سوال اجتماعی توجهی ندارد و تنها روی استثمار و چاپیدن جامعه و فساد و سرکوب متمرکز است.

این بحث یک فرض مبهم را نیز در خود دارد که مسئله حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی را امری "زنانه" و مربوط به "صنف زنان" تلقی میکنند. مسئله زن یک سوال اجتماعی است و بحث برابری مربوط به برابری بقیه و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی بمثابة انسان و شهروندان برابر است. زنان نیمه جمعیت و جنبشهای اجتماعی اند و حضور قدرتمند و رادیکال زنان را هیچ مرتجعی نمیتواند انکار کند. پاس دادن حجاب به "سوال زنان" مثل آن شعار ارتجاعی است که برخی با همین نقطه عزیمت نادرست میگفتند؛ "مسئله زنان مسئله کارگران است!" بحثی که کارگران و جنبش کارگری را "مردانه" فرض کرده بود و تبعیض سرمایه داری علیه زن را سوالی "زنانه" که حال باید کارگران "مرد" گوشه چشم و مرحمتی به آن داشته باشند! از این میگذرد که تاریخ جنبش سوسیالیستی و کارگری پیشرو و پرچمدار آزادی و برابری زن و مرد بوده و مهمترین دستاورهای

صفحه ۸

تفاوت حقوق زن و مرد در خانواده و در جامعه قابل تعریف است. تفاوت مهمی که هست اینست که در جمهوری اسلامی قانون در اینمورد مشخص حجاب اسلامی را با تعریف مشخصی و با تبیین جایگاه فرودست زن اجباری کرده است. تقلیل حجاب اسلامی به "پوشش"، گیریم "پوشش اسلامی"، تلاش دارد این تفاوت را محو کند تا آنرا در اشکال رفیق تر در مغز استخوان جامعه و فکر و منش مردم نگاهدارد. حجاب اسلامی در جنبش اسلامی برابر است با لوگوی اس اس برای نازی ها در جنبش فاشیستی. قبول حجاب اسلامی بعنوان "پوشش" تیر زدن پبای خود است.

دو قطبی کاذب "اجبار-اختیار"

دوم، در مقابل "اجبار" قانونی بحث "اختیار" مطرح میشود. این دومی ادامه فرض غلط اولی است. با فرض نادرست "پوشش" بودن حجاب از "پوشش اختیاری" صحبت میشود. دو قطبی "اجبار- اختیار" کاذب و غیر واقعی است و در فرض و تعریف اسلاميون از حجاب اشتراک دارد. جنبش آزادی و برابری زن و مرد بر نفی حجاب اسلامی بمثابة پرچم و نماد یک جنبش سیاسی ارتجاعی و ضد زن بعنوان یک کلیت تاکید دارد. حجاب، چه اختیاری و چه اجباری، نماد فرودستی زن است حتی اگر یک زن حجاب را با میل و رغبت "انتخاب" کرده باشد. این باید روشن باشد. بحث حجاب اختیاری را نباید با خواست جامع "آزادی پوشش" اشتباه گرفت.

آزادی پوشش

آزادی پوشش یعنی یک دولت سکولار نباید هیچ کدی بر نوع و لباس مردم در اماکن عمومی تحمیل کند. یعنی دولت و قانون موظف است از حق و انتخاب آزاد زن و مرد حمایت و آنرا تضمین کند. آزادی پوشش یعنی "آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم".

تا به بحث حجاب مربوط است، بالاخره در یک جامعه آزاد و باز ممکن است عده ای بخواهند نوعی از حجاب را در زندگی شخصی خود استفاده کنند. قانون آزادی پوشش این حق را برای بزرگسالان، یعنی کسانی که به سن قانونی رسیده اند، تضمین می کند که میتوانند علیرغم روشنگریها و مبارزات برای رفع تبعیض و احقاق حرمت و جایگاه زن بمثابة انسان برابر، هنوز از حجاب این نماد فرودستی زن استفاده کنند. این حق آنهاست و هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر این اساس قابل قبول نیست. اما این مورد در باره اماکن عمومی و امر خصوصی است که فرد یا افراد میتوانند کدهای خود را عملی کنند و نه مثلاً در مدارس و نظام آموزشی و اداری یا امور اجتماعی. تظاهر مذهبی اعم از اسلامی و غیره در مراکز آموزشی و اداری که باید سکولار باشد

جنگ علیه حجاب اسلامی،

کجا ایستاده ایم ...

جهان امروز هنوز مدیون جنبشهای سوسیالیستی است.

حجاب و مسئله زن و فلاکت اقتصادی دو سوال بزرگ و محوری دهها میلیون نفوس جامعه امروز ایران و فردای بعد از جمهوری اسلامی است. کمرنگ کردن و "فرعی و اصلی" کردن حجاب و فلاکت اقتصادی، و یا بدتر در تقابل قرار دادن این دو سوال مهم اجتماعی، ما را به ناکجاآباد ارتجاع سیاسی رهنمون میشود. لطفاً بجای این "ژرف اندیشی" سطحی نگرانه کنار جنبش آزادی زن بایستید و برای رفع تبعیض و برابری بجنگید. کسانی که با هر روایتی خواهان برابری و رفع تبعیض هستند نمیتوانند و محق نیستند چنین دوقطبی های کاذبی را طرح کنند چون تنها در متن یک نبرد داغ و اساسی به ارتجاع سیاسی و حکومت اسلامی نیرو میدهند.

شعار "حجاب اجباری" را نقد و کنار بگذارید

شعار "حجاب اجباری" مفروضاتی محتوانی و حقوقی و قانونی دارد که بالاتر مختصراً اشاره شد. جنبه قانونی "اجبار" باید لغو شود اما در همینجا مانندن اطراق در کمپ و تعاریف جنبش اسلامی است. متأسفانه نیروهای چپ در بحث حجاب همین جنبه را برجسته و به آن بسنده می کنند. نیروهای اپوزیسیون بورژوائی که مدافع نابرابری بنیادی در جامعه هستند، به تبعیض براساس جنسیت نیاز دارند و نهایتاً به کنوانسیون سازمان ملل در مورد برابری فرمال حقوق زن و مرد رضایت میدهند. اساس تناقض امروز اینست که موضع عمده جریانات چپ با کل اصلاح طلبان و بخشی از بدنه حکومت اسلامی، لااقل در صورت ظاهر برهم منطبق شده است. وقتی حسن خمینی و آخوند دایناسورهای جنگل خواری مثل مفیدی و یا جوادی آملی و مهدی کروی، اصلاح طلبان و زهرا رهنورد و فائزه رفسنجانی، تاریک اندیشان موسوم به "نوگرایان دینی" و دیگران میگویند "مخالف حجاب اجباری اند"، شما نمیتواند همین شعار را تکرار کنید و در مقابل "حجاب اجباری"، "پوشش اختیاری" را طرح کنید، مفروضات حکومتی از تعریف حجاب را قبول کنید و صرفاً با جنبه اجبار قانونی آن دربیافتید. سیاست درست و منطبق با پیشروی امروز جنبش آزادی زن اینست که حجاب اسلامی را در تمامیت آن بکوبید و مضمون و محتوای ضد زن و جایگاه آن در ایدئولوژی اسلامی را برجسته کنید و نفی آنرا را بخواهید. روشن است اینجا حجاب اسلامی یک لوگو است و در یک گراند این بیرق، قوانین اسلامی ضد زن، تعریف جایگاه فرودست زن در قانون و خانواده و بازار کار و اجتماع، یک نظام مبتنی بر آپارتاید و تبعیض براساس جنسیت لانه کرده است. این مجموعه و پاکج مورد جدال و تهاجم است که حجاب سمبل آن و یک رکن ایدئولوژیک حکومت اسلامی و جنبش اسلام سیاسی است.

مبارزه قهرمانه زنان آزادیخواه و سپیده های آزادی و برابری و سیر عقب نشاندن حکومت در جنگ برسر حجاب، حکومت را دوشقه و



بحث "حجاب اجباری" را باطل اعلام کرده است. این خاکریز حکومتی فتح و ویران شده و تنها با زور ارتش ضد زن و شکنجه ماکد آن نگهداری میشود. وقتی نصف حکومتی ها و کمپین های جانبی و موج سواری اپوزیسیون راست روی جنبه "اجبار و اختیار" در بحث حجاب متمرکز شده است، کمونیست ها و چپ ها و سکولارها نمیتوانند در این ارکستر ارتجاعی در گوشه ای نقش گروه گر و همخوانی را ایفا کنند. این جنبش واقعی برابری زن و مرد است که در موقعیت جدیدی قرار گرفته و با شعار "حجاب بی حجاب" و نفی حجاب اسلامی شعار و سیاست مخالفت محدود و سطحی با "حجاب اجباری" را از خیز انتفاع انداخته است. این دستاورد مهم جنبش برابری طلب زن و مرد را برسمیت بشناسید و شعار متناسب با سطح این مبارزه یعنی نفی حجاب اسلامی را اتخاذ کنید. نفی حجاب بعنوان بیرق فرودستی زن هدف مشخص و بلافصل این مبارزه است که همانطور اشاره شد، نفی کلیه قوانین تبعیض آمیز و نابرابر علیه زنان و نفی جداسازی و آپارتاید جنسی و اسلامی را همراه دارد. نفی وجه اجبار قانونی حجاب اسلامی را نباید به کلیت این بحث تسری داد و در همانجا فریز شد. مانندن در این ایستگاه شما را در کنار سیاست بخشی از حکومت و کل اپوزیسیون بورژوائی قرار میدهد.

۴ اوت ۲۰۲۲

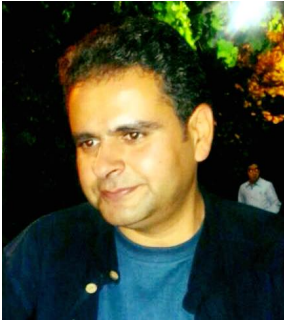
زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را
همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



این تضمین مسلما یک اهرم فشار میخواید و البته از نظر حکومت داشتن سلاح اتمی، میتواند این اهرم فشار باشد.

جمهوری اسلامی در سالهای اخیر همواره فتوای خامنه ای را بعنوان توجیهی جهت اینکه "قصد ساخت سلاح اتمی را ندارد" بعنوان فاکت در

چانه زنی های بین المللی عنوان میکرد. فتوایی که خامنه ای در ۲۱ آذر ۱۳۸۹ صادر کرد و در آن کاربرد سلاح اتمی را "حرام" اعلام کرد! اما در چند روز اخیر شاهد اظهاراتی سربالی از مقامات جمهوری اسلامی هستیم که به غرب سیگنال میدهند ما قادر به ساخت سلاح اتمی هستیم. حمید رضا صباغیان نماینده مجلس شورای اسلامی گفته ممکن است از آیت الله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی خواسته شود فتوای مربوط به سلاح اتمی را تغییر بدهد.

به این گفته صباغیان توجه کنید: "دشمن بدانند اگر گستاخی و تهدید آن ادامه یابد، در زمینه سلاح هسته ای که زورگویان دارند از رهبر معظم انقلاب اسلامی خواهیم خواست که اگر صلاح بدانند استراتژی و فتوای ساخت سلاح هسته ای تغییر یابد و این برای جوانان ایرانی بسیار آسان خواهد بود."

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی روز دوشنبه ۱۰ مرداد در گفتگو با خبرگزاری فارس با اشاره به سخنان اخیر کمال خرازی، مشاور خامنه ای گفت: "ایران، توان فنی ساخت بمب اتمی را دارد ولی چنین برنامه ای در دستور کار نیست". اشاره او به مصاحبه روز ۲۶ تیر خرازی با شبکه الجزیره است که ادعا کرده بود: "ما توانستیم در عرض چند روز اورانیوم با غنای ۶۰ درصد تولید کنیم و می توانیم به راحتی اورانیوم با غنای ۹۰ درصد تولید کنیم". رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و مشاور ارشد علی خامنه ای افزوده بود: "بر کسی پوشیده نیست که ما توانایی فنی ساخت بمب هسته ای را داریم اما تصمیم به انجام چنین کاری نداریم."

در واقع ترجمه این سخنان یعنی گرفتن تضمین از غرب جهت بقای جمهوری اسلامی. ظاهرا از نظر سیستم این آخرین راهیست که حکومت برای بقا دارد، تبدیل شدن به کشوری داری سلاح اتمی. اما سوال این است این استراتژی واقعا میتواند ضامن بقای جمهوری اسلامی باشد؟ آنچه در واقع جمهوری اسلامی را به زانو درآورده است و به لبه پرتگاه سقوط برده و به نظر من حکومت نیز بخوبی میداند، نه بحث تحریم و پرونده اتمی ایران است بلکه مسئله عدم مشروعیت تمام عیار جمهوری اسلامی در داخل است. برخلاف آنچه حکومت در پروپاگاندا تبلیغاتیست اعلام میکند خطری که بقای جمهوری اسلامی را تهدید میکند نه اسرائیل است و نه تحریمها. آنچه جمهوری اسلامی را نابود میکند دختری است که در اعتراض به حجاب اسلامی شجاعانه در مقابل سیستم می ایستد و البته بازداشت میشود، کارگری ایست که فریاد میزند ما کارفرمای مفتخور نمی خواهیم، بازنشسته ایست که فریاد

مانور بقای حکومت

با تهدید ساخت سلاح اتمی

وریا روشنفکر

جمهوری اسلامی اکنون بیش از هر زمانی در بن بست سیاسی و اقتصادی و فرهنگی قرار دارد و فاقد مشروعیت است. عدم توان حکومت در اداره کشور، فقر فراینده، عملکرد افتضاح در مقابله با بحران کرونا که هنوز در ایران درحال قربانی گرفتن است و به پیک هفتم رسیده است، تورم سر به فلک کشیده و قیمت هایی که افسارگسیخته در حال افزایش است، وعده های دولت انتصابی خامنه ای در تامین نیازهای مردم و ساخت مسکن و مبارزه با فساد، اکنون دقیقا بعد از یکسال از ریاست جمهوری رئیسی برای آن دسته قبلی هم که امید واهی ای داشته اند، اکنون به وضوح آشکار گردید که مانند تمام وعده های دیگر حکومت کذب است. در عرصه بین المللی جمهوری اسلامی تلاش میکند از شکافها استفاده کند و موقتا تمام تخم مرغهایش را در سبد روسیه گذاشته تا فشار آمریکا و دول غربی را کاهش دهد. دولت روسیه و کرملین نیز نیاز دارد متحدانی مانند جمهوری اسلامی داشته باشد و از آن در جهت منافع خودش بعنوان کارت جانبی فشار استفاده میکند.

در داخل ما هر روزه شاهد ده ها و صدها اعتراض در گوشه و کنار کشور هستیم و تنها واکنش سیستم بازداشت و سرکوب است. الان مشکل حکومت فقط حجاب و سرکوب است. در بسیاری از مناطق کشور سیل آمده و مردم زیر آوارند و خانه و کاشانه شان را از دست داده اند و جمهوری اسلامی هنوز روضه میخواند. البته تنها عکس العمل حکومت مثلا در امام زاده داوود، پاک سازی حرم است و برای مردمی که آنجا زندگی میکنند کمترین اهمیتی قائل نشد. سیستم حاکمه به خوبی میداند که در آخر راه است و قطعا برای ماندن به وحشیانه ترین شیوه در حال دست و پا زدن است. این تز که در بخشی از بدنه حاکمیت در دستور کار گذاشته شده و ظاهرا اکنون دست بالا دارد، رفتن به سمتی است که حکومتی کاملا بسته و سرکوبگر با گاردی آهنین در برخورد با هر نوع سخن مخالفی ایجاد گردد که به ضرب زندان و دستگیری و خشونت بتواند برای مدتی ماندنش را تضمین کند.

جمهوری اسلامی بخوبی میداند که در بین مردم جایگاهی ندارد و نمی تواند بر حمایت مردم جهت بقا حسابی باز کند، پس ما شاهدیم که با تشدید سرکوب تلاش میکند به هر چیزی و هر کسی گیر دهد تا بتواند با گسترش خفقان مردم را ساکت کند. امری که تاکنون تأثیر مورد نظر را نداشته است. اما در عرصه بین الملل سیاست جدید حکومت ظاهرا رفتن به سمتی است که از قدرتهای جهانی برای بقایش تضمین بگیرد.

مانور بقای حکومت

با تهدید ساخت سلاح اتمی ...

میزند تا حقمان را نگیریم، آرام نمی نشینیم، معلمیست که میگوید حق مان را در کف خیابان میگیریم، دهه نودی ها و بچه های ها هفت و هشت ساله ای هستند که با سرود "سلام فرمانده" ای که تمام توان تبلیغاتی حکومت را در پشتش دارد، میرقصند و طنز میسازند و فرمانده را "پسمانده و درمانده" می نامند.

تفسیر سخنان فرماندهان سپاه چه میتواند باشد وقتی که میگویند "ما از دیپلوماسی التماسی به سوی دیپلماسی اقتداری میرویم و در داخل آرایش جنگی میگیریم"؟ این دقیقا اعتراف به این نکته است که جمهوری اسلامی فقط دنبال تضمین بقای خود بدست قدرتهای سرمایه داریست تا بتواند در داخل بزند و بماند. اما خامنه ای باید بداند سلاح اتمی هم نمیتواند بقایش را تضمین کند. بزرگترین ارتش های جهان در مقابل خیزش انقلابی و توده ای نتوانسته اند کاری صورت دهند. سیاهی و تاریکی شما را ۲۰ میلیون سپیده، طبقه کارگر معترض و عصبانی، مردم عاصی ای هستند که برآستی دیپر چیزی برای از دست دادن ندارند. آینده شما را نسلی رقم میزند که بدهکار جمهوری اسلامی نیست و این داستان همیشه تاریخ حکومتهای استبدادی بوده است.

۳ اوت ۲۰۲۲

برای #سپیده_رشنو



سیاوش دانشور

سپیده این انسان جسور و زن آزادیخواه را از ۲۵ تیرماه شکنجه کردند تا به او و ۲۰ میلیون سپیده دیگر بفهمانند که این رژیم اسلامی

#آمنه_سادات هاست. رژیم جنایتکاران و شکنجه گران رذلی است که هیچ مرزی نمیشناسند. حکومت اوباش و دله دزدهای فاسدی است که با هرچه بوی حق و آزادی میدهد دشمن اند. تا بگویند از روز اول با پونز و قمه و اسید حجاب برسر زنان کردیم و هنوز نهضت ادامه دارد. سپیده را بیش از ده روز تحت انواع شکنجه قرار دادند تا تن رنجور و صورت زخمی و روان درهم ریخته اش را جلوی چشم دنیا بگیرند که بله میزنیم و میمانیم.

نفس اینکه بعد از بیش از چهار دهه ناچارند با اوین و شکنجه حجاب اسلامی را برسر زنان نگاه دارند، خود دلیل محکمی بر استیصال و شکست کامل آنهاست. سپیده بین چه نفرتی از این کثافت ها موج میزند، بین در مقابل سمپاتی به سپیده ها چه کینه ای از آمنه سادات ها و دایناسورهای مفتخور و فاسد تلنبار شده است. این صحنه اعترافات اجباری وارونه است، حقیقت تو همان است که در خط بی ار تی فریاد زدی و حقیقت اینها وحشتی است که در هفته حجاب و عفاف شان کل پیکره حکومت را از اصلاح طلب تا اصولگرا درنوردید. در این جنگ آنها بازنده اند.

سپیده جان تو در قلب نه فقط ۲۰ میلیون سپیده جا داری بلکه مورد حمایت دهها میلیون انسان منزجر از رژیم اوباش اسلامی هستی. خامنه ای باید کلاهش را بالاتر بگذارد که حکومتش فقط به زندان و شکنجه و پرونده سازی و سناریو بازی و خیل آمنه سادات ها بند است. و این هم البته جدید نیست، اسلام به درازنای تاریخش با زور و شکنجه و ارباب و قتل و کشتار جمعی تحمیل شده است. حکومت اسلامی و حجاب و آپارتاید محصول یک سلطه سیاسی خونین است و تنها باید به طرق سیاسی و قهری برانداخته شود.

به روزهای نزدیکی فکر کن که دایناسورهای اسلامی و آمنه سادات ها دنبال سوراخ موش اند و سپیده ها سرود آزادی میخوانند. تصور کن آن روزی را که به دست و پایت بیافتند. نوبت ما هم می رسد، سپیده دم با سپیده های آزادی و برابری و درهم کوبیدن کل این بساط تحقیر شعور نزدیک است.

#نه_به_حجاب_اسلامی
#حجاب_سوزان

Capitalist poles' hands off people's lives!

حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

نه به آپارتاید جنسی!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

تبلیغات نژادپرستانه موقوف!

خدمات درمان و بهداشت رایگان ابتدایی ترین حق انسان است!

این تبعه افغان به مددکار اجتماعی مراجعه نکرده و توضیحات سوپروایزر مبنی بر لزوم حضور نوزاد در بیمارستان با توجه به وضعیت نامساعد جسمی نوزاد را نپذیرفته و اقدام به تهدید، هیاو و جنجال کرده است. با وصف فوق لازم به تاکید است که هزینه مالی زایمان علت عدم موافقت سوپروایزر با ترخیص نوزاد نبوده و مجموعه بیمارستانهای استان بوشهر و خصوصاً بیمارستان گنجی در این گونه موارد همواره با بیماران اتباع بیگانه همراهی و مساعدت لازم را دارد.

گفتنی است در نهایت کارکنان بیمارستان به منظور پیشگیری از هرگونه حادثه احتمالی و به ناگزیر با ترخیص زودتر از موعد مادر و نوزاد این تبعه افغان، موافقت کرده اند. در عین حال فیلمی که در شبکه های اجتماعی منتشر شده، تلاش ها و حمایت نیروهای درمان برای آرام کردن تبعه افغان به منظور پیشگیری از تحقق تهدید و وقوع حادثه را به تصویر نکشیده است."

این گزارش در اوج درماندگی با تصویری فاشیستی و افغانستانی ستیزی در تلاش توجیه اصل ماجرا است. در کجای جهان تشخیص تبعه مجاز و غیره مجاز در صلاحیت بیمارستان است؟ این تبلیغات فاشیستی تنها از دست اندرکاران رژیم اسلامی برمیآید که بیمارستانها و مراکز درمانی را بجایی معالجه، مداوا و بهداشت به بنگاه های تجاری و انباشت سود برای دولت و سرمایه داران تبدیل کرده اند. ما در برنامه جامعه و کارگران اعلام می کنیم که ارائه خدمات درمان و بهداشت از ابتداییترین حقوق انسانها بدون در نظر گرفتن محل تولد، رنگ پوست، نژاد، ملیت و تعلق مذهبی آنهاست. ضروری است با اعتراضات توده ای و همبستگی علیه این سیاستهای بازاری کردن سلامت و درمان و تبلیغات فاشیستی ایستاد. ما و کارگران و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی این سیاستهای کثیف و ضد انسانی و نژادپرستانه و سودمحور را قویاً محکوم می کنیم.

اعتراض کارگران داروگر تهران به عدم دریافت مطالبات

تعدادی از کارگران کارخانه مواد شوینده داروگر تهران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و معوقات حقوقی شان، صبح روز هشتم مرداد ماه در مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران صنایع بسته بندی داروگر

روزیکشنبه ۹ مرداد ماه کارگران صنایع بسته بندی داروگر در رشت نسبت به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و معوقات بیمه ای مقابل این واحد تولیدی تجمع کردند.

تجمع و راهپیمایی اعتراضی کارگران شرکت تولی پرس قزوین

روز سه شنبه ۱۱ مردادماه ۱۴۰۱ کارگران شرکت تولی پرس قزوین

بر اساس گزارشی که بدست ما رسیده است، روز ۱۳ مرداد ۱۴۰۱ در بیمارستان گنجی برازجان زن حامله ای وضع حمل میکند. بیمارستان برای ترخیص این زن پول هنگفتی را از همسر ایشان طلب میکند که پرداخت آن از توان این زوج خارج است. با مشاجره ای که بین حسابداری بیمارستان و این زوج صورت میگیرد، همسر زن را به حالت عصبانیت، استیصال و جنون میروسانند که نوزاد را در دست گرفته میخواهد آن را از بالکن بیمارستان گنجی به پائین پرت کند که با کمک پرستاران او را آرام میکنند و کودک را از دست وی میگیرند. بعد از افشای ماجرا و پخش ویدئو در همان ساعت اولیه در شهرستان برازجان که موجب رسوایی مافیای درمان و سودپرستی دولت و عصبانیت شدید مردم برازجان شده است، روابط عمومی بیمارستان در گزارشی کاملاً راسیستی و افغانستانی ستیزانه با هدف وارونه جلوه دادن اصل ماجرا اطلاعیه ای صادر میکنند که در بخشهای از آن مینویسند:

"ماجرای پدری که قصد کشتن نوزاد خود را داشت"

"تبعه غیر مجاز افغان می خواست نوزادش قبل از واکسیناسیون و اطمینان از سلامت وی ترخیص شود/ هزینه های بارداری و زایمان تحت پوشش بیمه رایگان قرار دارد." "به گزارش روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان دشتستان، در تاریخ ۱۳/۵/۱۴۰۱ فردی از اتباع غیر مجاز خارجی که فرزندش در بیمارستان گنجی برازجان متولد شده بود، در همان روزی که مادر زایمان کرده اصرار بر ترخیص مادر و نوزاد خود داشته است و حال آن که با توجه به شرایط پزشکی نوزاد از جمله وزن پایین و هیپوگلیسمی ترخیص وی به صلاح نبوده است. بر همین اساس سوپروایزر شیفت شب بیمارستان گنجی، ضمن راهنمایی این تبعه افغان به او یادآور شده که طبق دستورالعمل وزارت بهداشت مادر و نوزاد باید ۲۴ ساعت پس از وضع حمل تحت مراقبت بوده و در صورت نداشتن مشکل از حیث سلامت، ترخیص شوند و این مادر و کودک نیز صبح روز بعد (پنجشنبه) پس از انجام واکسیناسیون نوزاد و بررسی حال مادر ترخیص خواهند شد. سوپروایزر شیفت شب همچنین به این فرد یادآوری کرد که با توجه به نداشتن هرگونه اسناد هویتی، به مددکار اجتماعی مراجعه کند تا روال اداری ترخیص همسر و کودک وی طی شده و همچنین هزینه زایمان وی با دستور رییس بیمارستان با تخفیف یا رایگان محاسبه گردد." گیومه ها و تاکید از ما است.

همچنین در بخش دیگر اطلاعیه مینویسند: "با وجود توضیحات فوق،

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

پرس در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوقشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

حقوق های معوقه کارگران کارخانه کمباین سازی سهوند تبریز

کارگرانی که در شرکت کمباین سازی به صورت قراردادی مشغول به کار هستند، نسبت به دیرکرد معوقات خود معترض هستند و می گویند: دو ماه پیش کارفرما دستمزد فروردین ماه را با دو ماه تاخیر به حساب کارگران واریز کرد و وعده پرداخت یک ماه دیگر از مطالبات کارگران را داد که هنوز عملی نشده است. وضعیت تولید در کارخانه کمباین سازی سهوند به دلیل برخی مشکلات خوب نیست و در واقع تولیدی انجام نمی شود. به گفته کارگران علیرغم مراجعات مکرر هنوز مسئولین وعده های خود را عملی نکرده اند.

اعتراض کارگران شهرداری یاسوج به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه
کارگران شهرداری یاسوج در یک اقدام اعتراضی زباله ها را جلوی شهرداری یاسوج و جلوی اداره تامین اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد تخلیه کردند.

کارگران شهرداری ایرانشهر چهار ماه مطالبات مزدی طلبکارند

کارگران شهرداری ایرانشهر چهار ماه دستمزد و بیمه پرداخت نشده دارند. عیدی آن ها نیز ۱۴ سال پرداخت نشده است. عضو شورای شهر در این باره گفت: منابع مالی شهرداری برای پرداخت مطالبات کارگران و سایر هزینه های شهر کافی نیست!

اعتراض کارگران پیمانکاری شهرداری ایلام

کارگران شهرداری ایلام گفتند: بابت ۴ ماه مطالبات مزدی سال جاری طلبکاریم و باتوجه به مخارج سنگین زندگی از شهرداری می خواهیم این طلب مزدی را پرداخت کند.

تجمع اعتراضی کادر درمانی بیمارستان کرمی اهواز

روزیکشنبه ۹ مرداد، کادر درمانی بیمارستان کرمی اهواز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود و دیگر خواسته هایشان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

دو کارگر در اصفهان و سمنان به دلیل سقوط از ارتفاع جانشان را از دست دادند

در هفته ای که گذشت خبرگزاریها از مرگ دو کارگر طی ۲۴ ساعت خبر دادند. یکی از کارگران فوت شده مقتی بود و دیگری هم کارگر قراردادی شرکت مخابرات. کارگر قراردادی شرکت مخابرات هنگامی که برای تعمیر خطوط تلفن به بالای یک برج مخابراتی در روستای زرین آباد دامغان رفته بود، از بلندی سقوط کرد و جانش را از دست داد. سقوط از بلندی در صدر حادثه های کاری منجر به مرگ کارگران در

ایران است. دومین کارگر هم که یک مهاجر افغانستانی بود در روستای کپ جوان اصفهان جانش را از دست داد. علت مرگ این کارگر نیز سقوط از ارتفاع اعلام شده است. نام هیچیک از کارگران فوت شده اعلام نشده است. سالانه بر اساس اعلام وزارت کار ۱۳ هزار "حادثه کاری" در ایران رخ می دهد و نزدیک به ۸۰۰ کارگر جانشان را از دست می دهند. سازمان پزشکی قانونی آمار ثبت شده حوادث کار را حداقل دو برابر گزارش وزارت کار اعلام کرده است.

خودسوزی و فوت یک کارگر در اعتراض به مشکلات معیشتی

جمیل ولی بیگی جوان ۳۰ ساله اهل ایلام به دلیل مشکلات معیشتی در محله هانی وان ایلام و در مقابل دیدگان مردم خود را به آتش کشید، او روز سه شنبه ۱۱ مردادماه در یکی از مراکز درمانی اهواز به دلیل درصد بالای سوختگی جانباخت. از ابتدای خرداد سال جاری تا ۹ مرداد، ۸ کارگر در اعتراض به اخراج، تعدیل، بلا تکلیفی بابت قرارداد شغلی، بی پاسخ ماندن مطالبات و ناتوانی در تامین معیشت خود را به آتش کشیدند.

مرگ یک کارگر در قم

یک کارگر جوان اهل سنندج با نام کامران صلواتی ۲۹ ساله که چند روز پیش در حین کار در کارخانه پوشش لوله سلفچکان قم در اثر ریختن مواد مذاب بر بدنش دچار سوختگی شدید شده بود، روز چهارشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۱ در یکی از مراکز درمانی قم جانباخت. کامران صلواتی هفته گذشته در حین کار دچار این حادثه گردید که منجر به سوختگی ۸۰٪ بدن وی شده بود. کامران صلواتی متأهل و پدر یک فرزند، اهل سنندج و ساکن شهر ساوه بوده است.

زخمی شدن دستکم ۱۰ کولبر در مرز نوسود توسط نیروهای مرزبانی

روز جمعه ۷ مرداد ۱۴۰۱ نیروهای مرزبانی هنگ مرزی در مرز میله نوسود به سوی شماری از کولبران تیراندازی کرده اند که در پی این تیراندازی دستکم ۴ کولبر زخمی شده و ۶ کولبر دیگر نیز در حین فرار و به دلیل سقوط از کوه زخمی شده اند. در نتیجه این تیراندازی دستکم ۴ کولبر به نام های علی بهرامی، کوسار خسروی، حیدر خودکامه و دلاور فرامرزی از ناحیه پا و سر و صورت مجروح شده اند. همچنین شش کولبر به نام های لایق اسماعیل پور، جواد فرامرزی، سعید مهربانی، عبدل عیدی و شایان زحمتکش نیز در حین فرار و به دلیل سقوط از کوه از ناحیه پا، کمر و دست مجروح شده اند. این ۱۰ کولبر مجروح جهت مداوا به بیمارستان قدس پاوه منتقل شده اند. لایق اسماعیل پور، جواد فرامرزی و حیدر خودکامه اهل شهر پاوه، عبدل عیدی اهل روستای نوریاب و شش کولبر دیگر نیز اهل روستای تین از توابع پاوه بوده اند.

ما در برنامه جامعه و کارگران، همواره اعلام کرده ایم سودجویی دولت و کارفرماها در عدم تامین ایمنی کار و همچنین تحمیل فقر به کارگران که دست به خودکشی میزنند عامل اصلی جانباختن و مصدومین حوادث کار و خودکشی در نتیجه تحمیل فقر هستند و همچنین اعلام میکنیم کشتار کولبران سیاست رسمی رژیم اسلامی است. ما ضمن محکوم کردن این جنایات رژیم با خانواده های قربانیان

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

همدردی میکنیم و برای مصدومین آرزوی بهبودی داریم.

ادامه بازداشت رضا شهابی در بند ۲۰۹ زندان اوین

رضاشهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه در منزل شخصی خود توسط مامورین وزرات اطلاعات بازداشت شده بود، با وجود اینکه هفته آینده پایان سه ماه از بازداشتش بپایان میرسد اما همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس میباشد. رضا شهابی در اعتراض به پرونده سازی و رفتارهای توهین آمیز در بازجویی های طولانی دست به اعتصاب غذا زد و در چهل و دومین روز در حضور خانواده اش به اعتصاب غذایش پایان داد. روز سیزدهم مرداد ماه خانواده شهابی موفق به دیدار این فعال سندیکایی شدند و این اولین ملاقات شهابی با خانواده بعد از اعتصاب غذا بوده است که حال ایشان را نسبتا خوب و روبه بهبودی توصیف کردند از نظر روحی هم بسیار شرایط خوب و پایداری داشتند.

رضا شهابی و حسن سعیدی به ترتیب در روزهای ۲۲ و ۲۸ اردیبهشت ماه با پرونده سازی وزرات اطلاعات در محل زندگیشان بازداشت شدند.

محرومیت فاطمه مثنی از رسیدگی مناسب پزشکی در زندان اوین

فاطمه مثنی، زندانی سیاسی در زندان اوین، علیرغم وخامت حال و خونریزی روده، از رسیدگی مناسب پزشکی و اعزام به بیمارستان محروم مانده است. یک منبع مطلع در خصوص وضعیت وی گفت: "خانم مثنی از بیماری های کولیت روده، مشکلات گوارشی و میگرن شدید عصبی رنج می برد. به دلیل عدم رسیدگی مناسب پزشکی به وضعیت این زندانی، او مجددا دچار خونریزی روده شده و روز به روز به مشکلات گوارشی فاطمه افزوده می شود. این درحالیست که مسئولان زندان به بهانه ازدحام جمعیت در بیمارستان و نبود فضای کافی برای مراقبت از وی، تاکنون با اعزام این زندانی سیاسی به بیمارستان مخالفت کرده اند؛ آنها وعده داده اند که خانم مثنی را آخر مردادماه به بیمارستان اعزام خواهند کرد."

صدور حکم مریم رحمانی، فعال حقوق زنان

بر اساس رای شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی افشاری، مریم رحمانی به ۲ سال حبس تعزیری (۵ سال تعلیق)، پرداخت ۱۵ میلیون تومان جریمه نقدی و مجازات های تکمیلی نظیر نگارش پژوهش ۷۰ صفحه ای پیرامون حب وطن، حضور فصلی در دفتر پیگیری ضابطین در ایام تعلیق و کسب اجازه از مقام قضایی برای هر بار خروج از کشور در زمان تعلیق، محکوم شده است. این

پرونده با شکایت سپاه ثارالله و یورش ماموران در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۴۰۰ در منزل شخصی وی تشکیل شد.

انتقال حمید حاج جعفر کاشانی به سلول زندانیان جرائم خطرناک

حمید حاج جعفر کاشانی، زندانی سیاسی که طی روزهای اخیر از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج تبعید شد، به سلول زندانیان جرائم خطرناک در این زندان انتقال یافته است. براساس همین گزارش انتقال وی با دستور محمدی، دادیار ناظر زندان و بدون رعایت اصل تفکیک جرائم صورت گرفته و آقای حاج جعفر کاشانی در اعتراض به انتقال فراقانونی و مغرضانه وی به سلول موسوم به "سلول قتلها" دست به اعتصاب غذا زده است.

عدم تحویل داروهای ضروری به ناصر فهیمی در زندان تهران

طبق اخبار واسله در مورخ ۶ مرداد ۱۴۰۱ از داخل زندان، ناصر فهیمی زندانی سیاسی و محبوس در زندان تهران بزرگ که از ناراحتی قلبی رنج می برد و در وضعیت جسمانی وخیم می باشد، مسئولین زندان در اقدام غیر انسانی از تحویل داروهای ضروری وی خوداری نمودند. ناصر فهیمی که بارها از طرف مسئولین زندان مورد رفتارهای خصمانه و انواع کارشکنی در روند مراحل اداری و عدم تحویل داروهای ضروری قرار گرفته است.

محرومیت اسماعیل عبدی معلم زندانی از مرخصی درمانی

اسماعیل عبدی، معلم زندانی و دبیرکل پیشین کانون صنفی معلمان که هفتمین سال دوران محکومیت ظالمانه حبس را سپری می کند، از مرخصی درمانی محروم شده است. آقای عبدی که از آسم و مشکلات ریوی رنج می برد، با ممانعت دادستانی تهران از اعزام به مرخصی استعلاجی و دریافت خدمات درمانی مناسب محروم مانده و سلامت و جان وی در خطر است. وی طی روزهای اخیر بدون نظر گرفتن اصل تفکیک جرائم به بند نظامی زندان کجوی کرج منتقل شده است. اسماعیل عبدی بیشتر، شش سال حبس از دوران محکومیت پرونده اول خود را گذرانده و در آستانه آزادی بود که با پرونده سازی دیگر توسط دستگاه قضایی به تحمل ۱۰ سال دیگر زندان ظالمانه محکوم شد.

بازداشت هیراد پیربدایی جهت اجرای حکم حبس

روز حدود ساعت ۲ بعد از ظهر روز شنبه ۸ مرداد ۵ مامور امنیتی به منزل هیراد پیربدایی یورش برده و با شکستن درب منزل، او را بازداشت و به قرنطینه زندان اوین منتقل کردند. بازداشت آقای پیربدایی در حالی صورت گرفته است که وی پیش از این احضاریه ای از بابت اجرای حکم دریافت نکرده و پرونده در مرحله تعیین شعبه تجدید نظر است و هنوز رای نهاییه او ابلاغ نشده بود. هیراد پیربدایی به ۴ سال و ۸ ماه حبس تعزیری، دو سال محرومیت از عضویت در گروه ها و دسته جات سیاسی و اجتماعی و دو سال ممنوعیت خروج از کشور توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران محکوم شده بود. حضور مقابل یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و اعلام شکایت نسبت به نگهداری متهمان در سلول های انفرادی یکی از مصادیق اتهامات آقای پیربدایی عنوان شده بود.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

**آدرسهای تماس با حزب
کمونست کارگری - حکمتیست**

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

وضعیت وخیم شعبان محمدی در پی عدم دسترسی به داروهای تخصصی

شعبان محمدی معلم زندانی که با سناریوسازی نیروهای امنیتی، از سه ماه پیش دستگیر و در سلول های چند نفره بند ۲۰۹ زندان محبوس است، طی تماسی که با همسر خود داشته، از بحرانی بودن وضعیت جسمی خود خبر داده است. برهه‌ساز گفته‌های همسر این عضو کانون صنفی معلمان مریوان، شعبان محمدی از وضعیت وخیم دستگاه گوارش، روده و کلیه‌های خود خبر داده است و گفته است که لازم است تا در اسرع تحت درمان مناسب قرار بگیرد. شعبان محمدی اعلام کرده است که به داروهای تخصصی خود دسترسی ندارد و علیرغم تذکر آقای محمدی، داروهای جدیدی برای ایشان تجویز کرده که حال او را وخیم‌تر نموده است. به همین دلیل، علاوه بر وخامت حال جسمی، بینایی شعبان نیز تحت تاثیر قرار گرفته و از این بابت در وضعیت وخیمی به سر می‌برد. همچنین آقای محمدی گفته است که حبس طولانی مدت و شکنجه‌های روانی در سلول‌های انفرادی باعث شده است تا حافظه او دچار مشکلات جدی شود و در حال حاضر در معرض بیماری فراموشی قرار گرفته است.

همچنین اعلام نموده که در صورت عدم رسیدگی مناسب به شرایط جسمی او از روز شنبه ۱۵ مرداد، دست به اعتصاب غذای خشک خواهد زد. از آنجا که این فعال صنفی نیاز حیاتی به دارو دارد، این نحوه از اعتصاب غذا در زمانی کوتاه بسیار خطر آفرین می‌شود. این خبر موجب نگرانی شدید خانواده و خیل عظیمی از دوستان و همکاران و کنشگران صنفی این فعال صنفی گشته است

بازداشت هستی امیری برای اجرای حکم یک سال زندان

صبح روز نهم مرداد ۱۴۰۱، هستی امیری، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، جهت اجرای حکم یک سال حبس تعزیری، در منزل خود بازداشت شد. هستی امیری، سه‌شنبه‌ی گذشته و در پی ابلاغیه‌ای بی‌سابقه مبنی بر مهلت یک روزه برای معرفی خود به اجرای احکام، به دادسرا مراجعه کرده بود و به علت عدم حضور قاضی، اجرای حکم به زمان دیگری موکول شده بود. پس از آن، درحالی که مسئولان اجرای احکام را بابت پیگیری امور پزشکی خود، مطلع ساخته و اعلام کرده بود که تا دو روز آینده برای اجرا مجدداً مراجعه خواهد کرد، صبح امروز با ورود مأمورانی که مدعی در دست داشتن حکم جلب سیار بودند، در منزل خود بازداشت و برای اجرای حکم یکسال حبس به زندان اوین منتقل شد.

فرنگیس مظلوم جهت اجرای حکم حبس راهی زندان اوین شد

فرنگیس مظلوم، فعال مدنی و مادر سهیل عربی، زندانی سیاسی سابق روز سه شنبه ۱۱ مرداد، پس از حضور در واحد اجرای احکام دادسرای اوین جهت تحمل دوران محکومیت ۱۸ ماه حبس خود، راهی زندان اوین شد. خانم مظلوم پیشتر طی ابلاغیه ای جهت اجرای حکم حبس به شعبه ۱ واحد اجرای احکام دادسرای اوین به ریاست قاضی امیرحسین تارپان احضار شده بود. *

نشریه حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!